

دکتر طیب انجمن اهل حلال  
و انجمن تالیفات فارسی  
و انجمن نگاه دینی، دہلی

## معرفی دیوان حافظ مترجم از قاضی سجاد حسین بربان اردو

مقدمه:

کتابی که درین مقاله معرفی می گردد، دیوان حافظ است که از دست جناب آقای قاضی سجاد حسین بربان اردو ترجمه شده است، قاضی سجاد حسین صدر مدرس مدرسه عالی، فتحپوری بوده در دہلی بوده که جائزه فارسی از ریاست جمہور ہند گرفته بود۔ او یکی از عالم معروف قرن ہستم میلادی ہند بود کہ زبان و ادبیات فارسی را ہادل و جان عشق می ورزید و دیوان حافظ را یکی از دیوانہای شاہکار فارسی شمرده بود۔

وی یا وقت تمام دیوان حافظ را بربان اردو ترجمہ نموده است کہ دیوان حافظ او غزلیات، متفرقات، رباعیات، مثنویات، قصائد، ترکیب بند، ترجیع بند و ساقی نامہ ہا را در بر دارد، علاوہ ازین مقدمہ بربان اردو برای احوال حافظ از دست گوشر چاند پوری کہ یکی از داستان نویس معاصر ہند بودہ مہیہ شدہ البتہ مقدمہ مترجم بربان اردو کلیسی اردو صفحہ است کہ آنجا مترجم، اکثر افرادی کہ درین ترجمہ با او ہمکاری داشتہ اند، متذکر شدہ است۔

کلیدواژگان:

حافظ، تفاوت، جدولهای پهر،

هند کشوری است که فارسی یا قشون سلطان محمود غزنوی درین صحنه ورود کرد و در سال ۱۲۰۴ میلادی اولین سلسله سلاطین هند که بنام سلطنت ممالیک شهرت دارد یا سلطان قطب الدین ایبک در هند قوت گرفت - صوفیا و عرفا که از ایران، افغانستان و آسیای میانه در هند تشریف آوردند مثل خواجه معین الدین چشتی اجمیری، حضرت داتا گنج بخش لاهوری و خواجه قطب الدین بختیار کاکی همه برای گسترش و پیشرفت زبان و ادبیات فارسی در هند سعی نمودند و سعی آنها موفق بود -

در قرون میانه هند افرادی که فارسی بلد نبودند آنها را با سواد حساب نمی کردند و اکثر شعرا، نثر نویسان، مورخان و افرادی که با علم سرکار داشتند - همه به فارسی می نگاشتند که هزارها نسخه خطی فارسی در هند آن هستند - پس هند جای مناسبی و دولت هند برای فارسی روشی را اتخاذ نمودند که تا به حال ادامه دارد و انشاء الله در آینده همچنین خواهد بود - قبل ازین که این ترجمه دیوان حافظ معرفی شود باید جزویات آن ترجمه را برای حصنارگرمی مطرح کنم:

- ۱- قبل از نخستین غزل ۱۹ صفحه متعلق به حافظ و کلام حافظ از دست جناب آقای کوثر چاند پوری درج است که ایشان در سال ۱۹۷۲ میلادی آن را به رشته تحریر در آورده اند -
- ۲- حدوداً ۹ صفحه برای تفاوت از کلام حافظ مندرج است که جناب مولانا محمد میاں صاحب قمر دهلوی که در مدرسه عالی، فتحپوری بود، نگاشته است - وی توضیحات مفصل برای گرفتن فال از دیوان حافظ را با مثالها آورده اند -

۳- چیزهایی که در گرفتن فال از دیوان لازم است آنرا در جدا دیوانه اندامی مثل:

جدول پیر اول جدول پیر دوم روز جدول پیر سوم روز، جدول پیر چهارم روز، جدول پیر اول شب، جدول پیر دوم شب، جدول پیر سوم شب، جدول پیر چهارم شب و در آخر جدول مشترک برای شب و روز -

۴- در تمام دیوان پای مجهول استفاده شده است، بطوری که در فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین جلد ۴ توضیح شده است که: "در قدیم تلفظ را بصورت "بی" مینوشتند و آنرا پای مجهول می نامیدند (مق: یای معروف) مانند: دلیر، چیز، دیر، شمشیر، زیز سیر (خدا گرس) این تلفظ در قرنهای اخیر از میان رفته و بدل به پای معروف (ا) شده و امروزه فرقی بین این دو یاء نیست ولی هنوز فارسی زبانان افغانستان، پاکستان و هندوستان بین این دو فرق گذارند (۵۲۳۵) ص:

بنده درین مقاله سعی می کنم که املاهای مترجم و اعییناً نقل کنم - دیوان مترجم حافظ باغزل معروف شروع میگردد که مطلع اش اینست:

الا یا ایها الساقی ادر کاساً وناولها که عشق آساں نمود اول ولے افتاد مشکھا

(ص: ۲۹)

از مطلع این غزل مشخص است که در هند "یائے مجهول" معمول بوده افرادی که فارسی بلد بودند دیوان حافظ را با املاهای "یائے مجهول" می نوشتند - در ردیف "الف" ۲۰ غزل هست که مطلع غزل آخر اینست:

هنگام نو بہار گل از بوستان جدا یا رب مباد و بچ کس از دوستان جدا

(ص: ۳۱)

در ہر دو مصرعہ بالا املائی بوستان دوستان را مترجم "بانون غنہ استفادہ کردہ  
است۔ ردیف "بائے موحدہ" از صفحہ ۴۲ آغاز می شود و مطلع اولین غزل در ردیف چنین  
است:

آفتاب از روئے او شد در حجاب سایہ را باشد حجاب از آفتاب  
(ص: ۴۲)

مطلع آخرین غزل در ردیف بائے موحدہ اینست:

می دید صبح و کلمہ بستہ سحاب صبح صبح یا اصحاب  
(ص: ۴۵)

جمعاً شش غزل در ردیف بائے موحدہ درج است:

ردیف "تائے فوقانی از صفحہ ۴۶ آغاز می شود و مطلع اولین غزل در ردیف اینست:  
آں سیہ چرمدہ کہ شیرینی عالم با اوست چشم میگوں لب خنداں دل خرم با اوست  
(ص: ۴۶)

مطلع آخرین غزل در ردیف "تائے فوقانی چنین مثبت است:

یارب سہے ساز کہ یارم بلاست باز آید و برہا ندم از چنگ ملامت  
(ص: ۱۰۵-۱۰۴)

در ردیف تائے فوقانی جمعاً ۹۳ غزل درج است۔

ردیف "تاہہ شدہ از صفحہ ۱۰۵ شروع می شود و مطلع اولین غزل اینست:

الغیاث اے مایہ جاں الغیاث کفر زلف بُرد ایماں الغیاث  
(ص: ۱۰۵)

مطلع آخرین غزل درین اینست:

درد ما را نیست در ماں الغیث ہجر ما را نہیں ہے پایاں الغیث  
(ص: ۱۰۶)

دردِ دیفِ ثاءِ مثلثہٴ غزل آمدہ است۔

ردیفِ جیمِ عربی از صفحہ ۱۰۷ آغاز می شود و مطلعِ اولین غزل اینست:

آتش اندر آبِ افسردہ یا مے در زجاج

یا در خشتاں در میانِ چشمہٴ حیواں سراج

(ص: ۱۰۷)

دو غزل در ردیفِ جیمِ عربی آمدہ است و مطلعِ غزلِ دوم درین ردیف اینطور است:

سزد کہ از ہمہ دلبران ستانی باج چرا کہ بر سرِ خواہاں عالمی چون تاج

(ص: ۱۰۸)

ردیفِ "جیمِ فارسی (پج)" از صفحہ ۱۰۸ آغاز می شود و مطلعِ تک غزلِ درین ردیف

اینست:

از من سوختہ آں یار نمی رسد ہیچ خبرے زیں دل افگاری پرسد ہیچ

(ص: ۱۰۸)

ردیفِ "حائےِ حکلی" از صفحہ ۱۰۹ آغاز و بر صفحہ ۱۱۰ انجام می یابد و مطلعِ اولین غزل چنین

است:

اگر بمذہب تو خونِ عاشق ست مباح صلاح ماہمہ آنت کاں تراست صلاح

(ص: ۱۰۹)

آخرین غزل در ردیفِ حائےِ حکلی و مطلعِ آن اینست:

ببین ہلال محرم بخواہ ساغر راح کہ ماہ امن و امانست و سال و صلاح

(ص: ۱۱۰)

ردیف ”خائے مجمہ“ از صفحہ ۱۱۰ آغاز می گردد و درین ردیف تک غزل به چنین مطلع مذکور است:

دل من در هوای روائے فرخ شدہ اشفتہ ہچو موئے فرخ

(ص: ۱۱۰)

ردیف ”دال مہملہ“ از صفحہ ۱۱۱ آغاز می شود و اولین مطلع درین ردیف اینست:

ابر آذاری بر آمد بادنوروزی و زید دورے میخواستہم و مطرب کہ میگوید رسید

(ص: ۱۱۱)

در ردیف دال مہملہ ۷۵ غزل آمدہ است و مطلع آخرین غزل بر صفحہ ۲۱۹ اینست:

یارم چون قدح بدست گیرد بازارِ بتاں شکست گیرد

(ص: ۲۱۹-۲۲۰)

ردیف ”ذال مجمہ“ از صفحہ ۲۲۰ آغاز می شود و ۳ غزل درین ردیف ثبت است و مطلع اولین غزل چنین است:

اے ذوق شہد لعل تو در کام من لذیذ حلوائے قند گرسنہ را در دین لذیذ

(ص: ۲۲۰)

مطلع آخرین غزل درین ردیف بر صفحہ ۲۲۱ چنین است:

بنویس دِلا بیار کاغذ بفرست باں نگار کاغذ

(ص: ۲۲۱)

ردیف ”رائے مہملہ“ از صفحہ ۲۲۱ تا ۲۳۵ آمدہ است و نخستین مطلع درین ردیف چنین

ثبت است:

الاے طوطی گویائے اسرار مبادا از شکر خالیت منقار

(ص: ۲۲۱)

آخرین مطلع در ردیف رائے مہملہ اینست:

یوسفِ گم گشته باز آید بہ کنعاں غم مخور کلبہ اخزاں شود روزے گلستاں غم مخور

(ص: ۲۲۵)

ردیف "زائے معجمہ" از صفحہ ۲۳۲ تا ۲۳۲ آمدہ است و نخستین مطلع غزل درین ردیف

اینست:

اے سروناز حسن کہ خوش میروی بناز عشاق را بناز تو ہر لحظ صد بناز

(ص: ۲۳۳)

آخرین مطلع درین ردیف چنین است:

ہزار شکر کہ دیدم بکام خویش باز ترا بکام خود و با تو خویش را دساز

(ص: ۲۳۴)

ردیف "سین مہلمہ" از صفحہ ۲۳۵ الی ۲۳۹ آمدہ است اولین مطلع درین ردیف اینست:

اے صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس بوسہ زن ہر خاک آں وادی و مشکین گن نفس

(ص: ۲۳۵)

آخرین مطلع در ردیف "س" چنین است:

دلار فیک سفر بخت نیک خواہت بس نسیم روضہ شیر از پیک راہت بس

(ص: ۲۳۸-۲۳۹)

ردیف "شین معجمہ" از صفحہ ۲۳۹ تا ۲۶۳ ادامہ دارد اولین مطلع غزل درین ردیف اینست:

اگر رفیقِ شفقتی درست پیمای باش      حریفِ حجره و گرما به و گلستان باش

(ص: ۲۴۹)

آخرین مطلع غزل درین ردیف چنین است:

یارب آن نوگل خنداں که سپردی بمنش      میسپارم بتو از چشم حسودِ چمنش

(ص: ۲۶۳-۲۶۳)

ردیف "صاد مہملہ" دو غزل دارد که بر صفحه ۲۶۳ و ۲۶۵ ادامه دارد نخستین مطلع غزل اینست:

از رقیبت دلم نیافت خلاص      زانکه القاض لا محب القاص

(ص: ۲۶۳)

آخرین مطلع غزل چنین است:

نیست کس راز کند سر زلف تو خلاص      میکشی عاشق مسکین و نترسی ز قصاص

(ص: ۲۶۵)

ردیف "ضاد معجمہ" ۳ غزل دارد که آغاز غزل اول بر صفحه ۲۶۵ و آخرین غزل در ردیف "ضاد معجمہ" بر صفحه ۲۶۶ است۔

اولین مطلع غزل اینست:

بیا که می شنوم بو بیت جان از آں عارض      که یافتم خود را نشاں از آں عارض

(ص: ۲۶۵)

آخرین مطلع غزل اینست:

سواد دیدہ من شد ز آب چشم بیاض      هنوز چند نگار از من کنی اعراض

(ص: ۲۶۶)



ردیف ”طائے مہملہ“ تنہا غزل دارد بر صفحہ ۲۶۷ مطاع اش اینطور آمده است:  
گرد عذار من تا نبوشت حسن خط ماہ (حسن رویے اور استقامت) تمامہ در غلط  
(ص: ۲۶۷)

ردیف ”طائے معجمہ“ ہم تک غزل دارد کہ نطاع اش بر صفحہ ۲۶۷ چنین آمده است:  
ز چشم بد رخ خوب ترا خدا حافظ کہ کرد جملہ کوئی بجائے ما حافظ  
(ص: ۲۶۷-۲۶۸)

ردیف ”عین مہملہ“ ۳ غزل دارد کہ از صفحہ ۲۶۷ تا ۲۸۰ آمده است و مطاع اش اینست:  
کفر دولت گیتی فروز شاہ شجاع کہ هست در نظر من جہاں حقیر متاع  
(ص: ۲۶۸)

آخرین مطاع درین ردیف چنین ثبت است:  
قسم بہ شہمت جاہ و جلال شاہ شجاع کہ نیست با کسم از بہر مال و جاہ نزع  
(ص: ۲۷۰)

ردیف ”عین معجمہ“ تنہا غزل بر صفحہ ۲۷۰ و ۲۷۱ دارد کہ مطاع اش چنین است:  
سحر چو بلبل بیدل دے شدم در باغ کہ تا چو بلبل بیدل کنم علاج دماغ  
(ص: ۲۷۰-۲۷۱)

ردیف ”فائے موحدہ“ ہم تک غزل بر صفحہ ۲۷۱ و ۲۷۲ دارد کہ مطاع آن اینست:  
طالع اگر مد کند منش آورم بکف گر بکشم زہے طرب و رب کشد زہے شرف  
ردیف ”قاف“ ۳ غزل دارد کہ مطاع اولین غزل چنین است:

زبان خامہ ندارد سر بیان فراق و گرنہ شرح دہم ہاتو داستان فراق  
(ص: ۲۷۲)

آخرین مطلع چنین ثبت است:

مقام امن و منی پیشش و رفیق شفیق گرت مُدام میتر شود ز به توفیق

(ص: ۲۷۳)

ردیف "کاف عربی" ۵ غزل دارد که از ص ۲۷۴ الی ۲۷۷ آمده است اولین مطلع غزل

اینست:

اگر شراب خوری جُرعہ فشاں بر خاک از آن گناه که نفسی رسد بغیر چه باک

(ص: ۲۷۴)

آخرین مطلع غزل درین ردیف است:

هزار دشمنم ار میکنند قصد هلاک گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک

(ص: ۲۷۶)

ردیف "لام" ۱۰ غزل دارد؛ که از ص ۲۷۷ تا ص ۲۸۴ ثبت است - اولین مطلع غزل

چنین است:

اگر بگوئی تو باشد مرا مجال وصول رسد ز دولت وصل تو کار من بنحصول

(ص: ۲۷۸)

آخرین مطلع غزل اینست:

هر کس که ندارد بجهان مهر تو در دل کفّا که بود طاقت اوضائع و باطل

(ص: ۲۷۴)

ردیف "میم" در دیوان بزرگ است و ۸ غزل دارد که از ص ۲۸۴ تا ص ۳۳۵ آمده

است مطلع اولین غزل در ردیف "میم" اینست:

آنکه پامال جفا کرده چو خاک راهم خاک می بوسم و غدر کرشم میخوانم

مطلع آخرین غزل درین ردیف ردیف چنین آمده است:

نمازِ شام غریباں چو گریه آغازم بمویہ هائے غریبانہ قسم پر دازم

(ص: ۳۳۴-۳۳۵)

ردیف "نون" ۲۷ غزل دارد که از صفحه ۳۳۵ تا صفحه ۳۵۳ آمده است و مطلع اولین غزل

اینست:

اے شام بکوئے ما گذر کن وے صبح بحال ما نظر کن

(ص: ۳۳۵-۳۳۶)

مطلع آخرین غزل در ردیف "نون" چنین است:

یارب آل آهوے مشکین بہ ختن باز رساں و آل سہی سر و رواں را بہ چمن باز رساں

(ص: ۳۵۲)

ردیف "واو" ۱۳ غزل دارد که از صفحه ۳۵۲ تا ص ۳۶۰ تا ص ۳۶۰ آمده است و اولین

مطلع درین ردیف چنین درج است:

اے آفتاب آئینہ دارِ جمال تو مُشکِ سیاہ مجرہ گردانِ خالِ تو

(ص: ۳۵۲-۳۵۳)

مطلع آخرین غزل درین ردیف چنین است:

مُطربِ خوش نوا بگو تا زہ بتازہ نوبنو بادہ دلگشا بجو تا زہ بتازہ نوبنو

(ص: ۳۶۰)

ردیف "ہائے ہوز" ۱۶ غزل دارد که از صفحه ۳۶۱ الی صفحه ۳۷۱ ادامه دارد و اولین مطلع

درین ردیف اینست:

از خون دل تو قسم زندگی پرانند آن دایم مرا من گزین است  
(ص: ۳۶۱)

آخرین مطلع درین ردیف چنین است:

دجال او ز عمر جا وصال کرد و از مرا آن دو که آن در

(ص: ۳۶۲)

ردیف "یا" تحتانی ۸۲ نوزل دارد که از صفحہ ۳۳۱ تا ۳۳۸ و دست اولین مطلع

نوزل درین ردیف است:

آن غایب خط گریه ما از نوشتی گردوں در حق هستی ما در نوشتی

(ص: ۳۶۱)

آخرین مطلع درین ردیف چنین است:

یا سما بحالی درجا من الالی یارب چه در شور آمد گردت خط بلالی

(ص: ۳۶۲)

دیوان حافظ بر صفحہ ۳۳۸ تمام می شود و بعد ازین دو صفحہ ۳۳۹ و ۳۴۰ تفرقات

دیوان حافظ بعنوان "افراذ" دارد که آنجا ۲۸ فرد مذکور است - اولین فرد این است:

زشت تویش بود شکر بی شمار مرا که در دیار خرمیده است در دیار مرا

(ص: ۳۳۹)

آخرین فرد این است:

نیست در شیل باں مثل تو شاه مجی بر قلک نیست چو رخسار تو ماه مجی

(ص: ۳۴۰)

بعد از فرد هار با عیانت حافظ از صفحہ ۳۳۱ تا صفحہ ۳۴۰ درج است که جمعا اعداد

آن رباعیات ۱۸۰ است۔

اولین رباعی حافظ چینین مذکور است:

دیروز چنان وصالِ جاں افروزے      و امروز چینین فراقِ عالم سوزیے  
افسوس کہ در دفترِ عمرم ایام      آنرا روزے نوید این را روزے  
(ص: ۲۳۱)

آخرین رباعی درین دیوان چینین آمدہ است:

جان تو بہ اسرارِ الہی پر داخت      نے در طلبِ نا تنہمی پرداخت  
دردا کہ چنان بہ نقشِ شغول شدی      کنر نقش بہ نقاشِ نحو اہی پرداخت  
(ص: ۲۳۰)

پس از رباعیاتِ خمس از صفحہ ۲۳۱ شروع می شود و تا صفحہ ۲۳۳ ادامہ می یابد۔

آغازِ خمس این چینین است:

در عشق تو اے صنم چنانم      کز ہستی خویش در گمانم  
ہر چند کہ زار و نا تو انم      گردست دہد ہزار جانم  
در پائے مبارکتِ فشانم      (صفحہ: ۲۳۱)

انجامِ خمس با این بند است:

اے وصل تو اصلِ شادمانی      دائم بمرادِ دلِ بمانی  
یا حافظ خود بگو عیانی      ہر حکم کہ بر سدم برانی  
سہیل ست ز خویشتن مرانم      (ص: ۲۳۳)

بعد از خمس، مہدس از صفحہ ۲۳۴ آغاز می شود و بر صفحہ ۲۳۷ انجام می یابد۔ آغاز

مُسَدَسِ اِیْن طَوْرًا اسْت:

اے حریم بارگاہت کعبہ بحر و عطا      اور چشمِ دلفظی لیلیٰ علیٰ صوفی رضا  
ماہِ گروونِ ولایت شمعِ شمعِ اعظما      بیوہ بسا جنت لیلِ تلو سرا  
والہما از غیب فی آید گوتم ایسا نوا  
کالسلام اے حضرت شاہِ خراساں السلام (ص: ۴۴۴)

انجامِ مُسَدَسِ چینی است:

مرغِ رومِ در ہوائے تست یا سلطانِ دین  
یک زمان اے شاہِ من بر حال مسکیناں چین  
بھو مرغِ نیم نسل اوفتادہ در زین  
خاصہ حافظِ را کہ وارد داغِ مہرست بر چین  
گوید از صدق و صفا ہر دم ہاواز حزیں  
کالسلام اے حضرت شاہِ خراساں السلام (ص: ۴۴۷)

بعد از مُسَدَسِ قطعات از صفحہ ۴۳۸ تا ۴۵۵ آمدہ است کہ جمعاً تعداداً ۲۵

ہست (قطعات از ۲ بیت تا ۱ بیت دارد) اولین قطعہ چینی آغاز شدہ است:  
گر کساں قدرے بداندے      شبِ نخلند و رزنا نندے  
(ص: ۴۳۸)

آخرین قطعہ چینی آغاز می شود:

دل منہ بردنیا و اسباب او      زانکہ ازوے کس وفاداری ندید  
(ص: ۴۵۵-۴۵۴)

بعد از قطعات، "مثنوی" از صفحہ ۴۵۵ تا صفحہ ۴۵۸ آمدہ است، مثنوی ازین

مُسَدَسِ اَیْن طَوْر اِسْت :

اے حریم بارگاہت کعبہ عز و علا      نور چشم مصطفیٰ یعنی علی موسیٰ رضا  
ماہ گردونِ ولایت شمع جمع اصطفیٰ      میوہ بستای جنت بلبل نیکو سرا

دائماً از غیب می آید بگوئیم این ندا

کالسلام اے حضرت شاہ خراساں السلام (ص: ۴۴۴)

انجام مُسَدَسِ چَیْنِیْنِ اِسْت :

مرغِ رُوحِ درِ هوایِ تست یا سلطانِ دین

یک زماں اے شاہِ من بر حال مسکیناں بہین

بچھو مرغِ نیم بسملِ اوفتادہ در زین

خاصہ حافظ را کہ دارد داغِ مہرت بر چین

گوید از صدق و صفا ہر دم باواز حزیں

کالسلام اے حضرت بشاہِ خراساں السلام (ص: ۴۴۷)

بعد از مُسَدَسِ قَطَعَاتِ از صفحہ ۴۴۸ تا ۴۵۵ آمدہ است کہ جمعاً تعداد آنہا ۲۵

صت (قطعَاتِ از ۲ بیت تا ۷ بیت دارد) اولین قطعہ چَیْنِیْنِ آغاز شدہ است :

گر کساں قدرے بدانندے      شبِ نَخْفَتند و رز نشا نندے

(ص: ۴۴۸)

آخرین قطعہ چَیْنِیْنِ آغاز می شود:

دل منہ بردنیا و اسباب او      زانکہ ازوے کس وفاداری ندید

(ص: ۴۵۵-۴۵۴)

بعد از قطعَاتِ، ”مثنوی“ از صفحہ ۴۵۵ تا صفحہ ۴۵۸ آمدہ است، مثنوی ازین

بیت شروع می شود:  
الا اے آہوئے وحشی کجائی مرابا تست بسیار آشنائی  
(ص: ۴۵۵)

مثنوی بہ این بیت تکمیل می پاید:  
برو حافظ دریں معرض مزن دم سخن کو تا سخن و اللہ اعلم  
(ص: ۴۵۸)

بعد از مثنویات، "قصائد" از صفحہ ۴۵۸ شروع می شود و بر صفحہ ۴۶۹ تکمیل می  
گردد جمعا ۵ قصیدہ درین دیوان آمدہ است کہ ہمہ مطلع آن چنین است:

جو ز سحر نہاد جمائل برابرم یعنی غلام شاہم و سوگند میخورم (ص: ۴۵۸)  
شد عرصہ زیں چو بساط ارم جواں از پر تو سعادت شاہ جہانیاں (ص: ۴۶۰)  
پسیدہ دم کہ صبا بوئے بوستان گیرد چمن ز لطف ہوا نکتہ بر جناں گیرد (ص: ۴۶۲)  
خیر مقدم مرحبا اے طائر میمون قدم شاد ماں کردی مرا نام ترا سرتا قدم (ص: ۴۶۵)  
مقدر یکہ ز آثار صنع کرد اظہار سپہر و مہر و مہ و سال و ماہ و لیل و نہار (ص: ۴۶۶)

بعد از قصائد، "ترکیب بند" از صفحہ ۴۶۹ تا صفحہ ۴۷۲ مذکور است کہ ترکیب  
بند ازین بیت شروع میشود:

شاہے کہ پناہ ملک و دین ست در خورد ہزار آفرین ست (ص: ۴۶۹)  
بعد از ترکیب، بند، "ترجیع بند" از صفحہ ۴۷۲ تا ۴۷۶ مذکور است کہ ازین بیت آغاز  
میشود:

اے دادہ بباد دوستداری این بود گو وفاؤ عہد پاری (ص: ۴۷۲)



بعد از ترجمه بند، "ساقی نامه ها" از صفحه ۷۷ تا صفحه ۸۸ آمده است که جمعاً تعداد این ساقی نامه ها ۴ است، هر چهار ساقی نامه ازین مطلع با آغاز می شوند:

سر قنیه دارد وگر روزگار من و مستی و قنیه چشم یار (ص: ۷۷)

بیا ساقی آں مے که حور بهشت غیر ملائک در آں مے سرشت (ص: ۸۳)

بیا ساقی از بیوفائی عمر بهین و ز مے گن گدائی عمر (ص: ۸۴)

بده ساقی مے که تا دم زینم قلم بر سر دو عالم زینم (ص: ۸۷)

مترجم دیوان حافظ قاصی سجاد حسین مقدمه این کتاب را به انگلیسی نگاشته

است که با اختصار آن مقدمه انگلیسی دارای چنین مطالب است:

"خواجہ شمس الدین محمد حافظ شیرازی در سال ۱۳۲۰ در شیراز متولد شد و به دلیل

ابیات وی اور القب "لسان الغیب" داده اند۔ در هند دیوان حافظ پس از وفات حافظ

یعنی در سال ۱۳۹۰ در هند شهرت فراوانی یافت۔ چندین نسخه خطی آن با دست کاتبان و

خطاطان معروف هند کتابت شده و ترجمه و شرح آن از همان زمان شروع شده بود۔

شرابِ خواجہ حافظ شیرازی، شرابِ معنوی است۔ همه شارحین و مترجم

دیوان حافظ معنی های مختلف و شرح های مختلف از یک دیگر نگاشته اند۔ اولین متن

دیوان حافظ در سال ۱۷۹۱ میلادی از کلکتہ چاپ شده است۔

دیوان حافظ که دکتر جلالی نائی و دکتر نذیر احمد از ایران چاپ کرده اند آن هم

تخصراً به نسخه هند که در سال ۸۲۴ هجری کتابت شده بود که قدیمی ترین نسخه خطی دیوان حافظ

به شمار می آید۔ دیوانی که اینجانب برای ترجمه انتخاب نموده ام از دست رحمت اللہ رحمد

انتخاب شده و نازک انپور طبع شده است۔

این هم برای بنده جالب توجه است که مآثرات های مختلف دیوان حافظ را در هند داریم ولی درباره احوال حافظ شیرازی اطلاعات زیادی نداریم. درباره احوال خواجه حافظ درین دیوان از دست ناقد معروف اردو داستان نویس و زبان نویس معروف اردو جناب حکیم علی کوثر چاند پوری تهیه شده است و آن هم بزبان اردو است. دو اشاعت و چاپ قبلی این دیوان بزودی تمام شده بود و سومین اشاعت دیوان حافظ است که بادقت و بررسی مطالب و تراجم را تجدید نظر کرده ام و در چندین جایگزینی آن را عوض کرده ام و جایی که احتیاج شرح بیشتر داشت آن را در حاشیه آورده ام.

اینجناب نهایت سپاس و امتنان دارم که دوست صمیمی بنده جناب آقای کرپال سینک بیدار از دانشگاه پنجابی، پیتاله (پنجاب) این را چندین مرتبه خواندند و اصلاحات لازمی را به عمل آورده اند. بنده از ایشان سپاس می گزارم. (سجاد حسین) طوری که قبلاً هم متذکر شده ام قاضی سجاد حسین، رئیس و صدر مدرس، مدرسه عالی فتح پوری در دهلی کهنه بوده و ناشر دیوان حافظ مترجم "سب رنگ کتاب گهر" دهلی است که در سال ۱۹۷۲ میلادی آن را چاپ و منتشر کرده است. خصایص عمده دیوان حافظ مترجم:

۱- املاي متن: اگر خصایص عمده دیوان حافظ مترجم را از زیبایی کنیم بدین نتیجه خواهیم رسید که املاي متن فارسی اشعار حافظ، املاي قدیم فارسی است که مادر فارسی معاصر "یای معروف" را بیشتر بکار می بریم ولی متن این دیوان عبارت است از "یای مجهول" که در هند افرادی که بازبان و ادبیات فارسی آشنا بودند و سر و کار داشتند از همین "یای مجهول"

استفاده می‌کنند و این روش را مستحسن می‌شمارند، مثلاً مقطع حافظ را چنین نوشته‌اند:

حافظ سر از لحد بدر آرد پاپای بوس      گر خاک او پاپای شاپای سپر شود

یا در بیت دیگر اینطور می‌نویسند:

گر زد دست زلف مشکینت خطای رفت رفت      در ز هندوئی شابر ما جفای رفت رفت

گاهی اوقات "نون" را بدون نقطه می‌نویسند و آن را "نون عُنَه" می‌گویند و در

ابیات چنین استفاده می‌کنند:

من از آل حُسن روز افزون که یوسف داشت دانستم

که عشق از پرده عصمت بروی آرد ز لیلخارا

استفاده از "حمزه" بجای "ی" در متن رواجی بوده است مثلاً در این بیت:

گفتم شراب و خرقه نه آئین مذهب است      گفت این عمل به مذهب پیرمغال کند

در این متن بیشتر از "های" استفاده می‌شده است که در معاصر از آن بیشتر

متروک شده است، مثلاً: واژهای را چنین نگاشته است:

بچ، هم، مذهب، همان، هما و الی آخر

مترجم دیوان حافظ، جناب آقای قاضی سجاد حسین از فارسی دانانان قدیم

هند بود، پس از املای زبان فارسی قدیم استفاده کرده است و این روش را وی بیشتر

مناسب و مستحسن برای زبان فارسی می‌شمارند.

۲- ترجمه: ترجمه قاضی سجاد حسین بسیار روان و شیرین اردو است که طبق زبان‌شناسان

چهل درصد واژه‌های واژه‌دخیل زبان اردو هست. بدین سبب ترجمه اردو برای

مترجم کمی راحت‌تر بوده. مترجم بیشتر بجز افعال واژه‌های فارسی را عیناً بزبان فارسی

ترجمہ کردہ است مثلاً اگر کسی ازبیت اردوی غالب دہلوی را بنیم بدین نتیجہ خواہیم رسیدہ  
کہ حقہ رواژہ ہای فارسی در زبان اردو مشترک ہستند:

بوئے گل، نالہ دل، دود چراغ محفل جو تری بزم سے نکلا سو پریشان نکلا  
درین بیت بوئے گل، نالہ دل، دود، چراغ، محفل و پریشان ہمہ واژہ ہای  
فارسی ہستند، البتہ ”جو تری، سے نکلا“ ہر چہ رواژہ اردو ہستند۔

گچنین بیت فارسی حافظ را با ترجمہ اردو مقالیہ می کینم، مثلاً:

اے طیب ازلی یک نظرے کن مارا

ترجمہ اردو: اے ازلی طیب ایک نظر ہم پر ڈال

حافظ سوختہ را پار نمی پرسد ہیچ

ترجمہ اردو: سوختہ حافظ کو پار کچھ نہیں پوچھتا

درین بیت بجز ”ہم ڈال، کو کچھ نہیں پوچھتا“ ہمہ فارسی است۔

یا بیت دیگر حافظ و ترجمہ اردوی آن را ملاحظہ فرمایید:

عاشق پارم مرا با کفر و ایماں چه کار

ترجمہ اردو: میں تو پار کا عاشق ہوں مجھے کفر و ایماں سے کیا کا!

تشنہ دردم مرا با وصل و یا ہجراں چه کار

ترجمہ اردو: میں درد کا تشنہ ہوں مجھے وصل اور ہجراں سے کیا کام

درین اردوی قاضی سجاد حسین بجز ”میں، تو، کا، ہوں، مجھے، سے کیا، اور“ ہمہ واژہ ہای  
فارسی ہستند۔

۳۔ شرح: قاضی سجاد حسین عالم فارسی بود و جانی کہ معانی و مفہیم شعر حافظ برای قاری

مشکلی داشت وی آن را بزبان اردو در حاشیه شرح داده است تا قاری بیشتر از آن بیت لذت برد و مفهوم بیت واضح گردد بطور مثال بیت حافظ را وی چنین شرح نموده است:

شکوه آصفی واسپ باد و منطق طیر    بباد رفت و از آن خواجه هیچ طرف نه لب

آصف بن برخیا نام وزیر حضرت سلیمان بود و مفهوم از اسپ باد اشاره از تخت سلیمان است که بردوش هوامی رفت و منطق طیر مرادش گفتگوی را حافظ بطور مختصانه و در اشاره و کنایه بیان نموده است که هنر حافظ بود.

اتپنچین مثالها را در دیوان حافظ متیوانیم پیدا کنیم که قاضی سجاد حسین برای خوانندگان زبان اردو کمک کرده اند و سعی عمده نمودند که خوانندگان خود را با مفهوم و معنی های حافظ نزدیک تر کنند و حق فارسی دانی و فارسی فهمی را به نحو احسن ادا نمایند.

نتیجه گیری: مترجم دیوان حافظ، قاضی سجاد حسین نه تنها دیوان را ترجمه و شرح کرده است بلکه قصائد، مثنویات، ترکیب بند، ترجیع بند، رباعیات و متفرقات همه را بدین روش ترجمه و شرح کرده است و کار ایشان دقیق و عمیق است و محنت شاقه او ژرف نگهبی مترجم و شارح را در تمام دیوان نشان می دهد.

اگر کار جالب را بتوانیم انجام دهیم و آن اینست که متداول ترین دیوان فارسی حافظ را با این دیوان در متن مقایسه کنیم و اختلافات متن با روش املاهای آن را بررسی کنیم تا کار دقیق در باره دیوان حافظ شیرازی و متن دیوانش با اختلاف قرأت برای خوانندگان هند و ایران تقدیم کنیم.

این دیوان مترجم چندین بار تا به حال بچاپ رسیده است و در بین فارسی دانان اردو زبان بیشتر شهرت دارد و مقبول ترین ترجمه و شرح آن بحساب می آید.